

تأثیر سپهری در اندیشه و سینما

عرفان مدرن در اندیشه و ادبیات معاصر فارسی ۵

منبع: روزنامه سازندگی، سال ۲، شماره ۵۱۴، سه‌شنبه، مورخ: ۱۳۹۸/۸/۱۴

در قسمت گذشته به پاره‌ای از اشعار سپهری و مفهوم «هیچ» در آن‌ها پرداختیم. من در توجه خود به سپهری مضامینی را که اختیار کرده‌ام، عموماً جنبه آگزیستانسیل دارند و در هشت کتاب به بحث گذاشته‌اند. آن مضامین عبارتند از: امر متعالی^۱، تنهایی، غم، مرگ، عشق، فلسفه لاجوردی، «هیچ»، «هیچستان» و... افزون بر این، سهراب درباره زن، اعم از زن انضمامی گوشت و پوست و استخوان دار و زن اثیری، زنی که سویه‌های یونگی آن پر رنگ است و متناسب با الگوها^۲ و روانکاوی یونگی است، سخن گفته. این نیز از نکاتی است که من در سالیان اخیر دریافتم و بخش‌هایی از هشت کتاب که همیشه برایم معما بود و فهمش ساده نبود، گشوده شد؛ همچنین فقراتی از دفاتر ابتدایی، مثل شعر مهم شاسوسا و شعر همیشه در دفتر حجم سبز. در فهم این فقرات مدتها دچار مشکل بودم؛ پس از آن که از طریق نامه‌های سپهری به دوستانش^۳ دریافتم که او با یونگ نیز آشنا بوده. مدتی آثار یونگ را در مطالعه گرفتم و در پرتو آن، فهم اشعار فوق برایم میسر گردید. اشاره مستقیم به «متن اساطیری» و استشهادات دیگری که نشان می‌دهد سپهری از دوگانه آنیما - آنیموس بهره برده است. علاوه بر این در مورد سپهری می‌توان در باب تأثیری که سهراب از سنت ایرانی - اسلامی گرفته سخن گفت؛ یکی از اشعار دفتر حجم سبز، سوره تماشا نام دارد که بسیار بر سیاق انذار و گفتار کتب مقدس نگاشته شده. فقراتی از این شعر متضمن تحذیر کردن و انداز دادن است:

به تماشا سوگند

و به آغاز کلام

و به پرواز کبوتر از ذهن

واژه ای در قفس است. [...]

زیر بیدی بودیم.

برگی از شاخه بالای سرم چیدم، گفتم:

۱. transcendent

۲. archetype

۳. هنوز در سفرم، شعرها و یادداشت‌های منتشر نشده از سهراب سپهری، به کوشش پردیخت سپهری، نشر فرزانه، ۱۳۸۴.

چشم را باز کنید، آیتی بهتر از این می خواهید؟

می شنیدم که به هم می گفتند:

سحر می داند، سحر!^۱

همچنین به بهانه اثر فلسفه لاجوردی سپهری، علاوه بر توضیح در باب تأثیر گرفتن سهراب از سنت شرقی و بودیستی، در باب عملکردی^۲ که مفهوم «کودک» برای او دارد توضیحاتی خواهم آورد. «کودک» یکی از نمادهایی است که سپهری بارها به کار برده است؛ به ویژه در دفاتر آخر، و حجم سبز و ما هیچ ما نگاه. همچنین به این نکته توجه کرده‌ام که کیارستمی از سپهری، تأثیرات زیادی گرفته است. پس از این که کیارستمی، فیلمساز برجسته معاصر، از دنیا رفت، دوباره برخی از آثار او را نگاه کردم و دریافتم رابطه پررنگی میان آن دو بزرگوار وجود دارد. علاوه بر آن، عکسهای او را هم که به دقت دیدم^۳، دریافتم قاب بندی های عکسهایش قرابتی با فضای اشعار سپهری دارد. این قرابت همچنین در فیلم باد ما را خواهد برد مشهود است و نشان می دهد که کیارستمی تا چه میزان تحت تأثیر سپهری بوده است. یکی از اشعاری که نگاه طبیعت گرای^۴ سپهری را نشان می دهد، به باغ همسفران است. پناه بردن به روزگاری که در آن ما آن چنان مسحور و مفتون و گرفتار تکنولوژی نشده بودیم، یکی از ایده های محوری فیلم باد ما را خواهد برد است. روشن است که کیارستمی در این فضا نفس می کشیده و دنیا را اینگونه می دیده است. خانه دوست کجاست هم از لطافت و سلاستی برخوردار است و خوشبختانه یکی از نماینده های موفق سینمای ایران در سه دهه اخیر بوده است. عنوان فیلم چنان که پیشتر آمد از شعر نشانی سپهری برگرفته شده است. باری، به شعر به باغ همسفران و نقد سهراب بر تکنولوژی به اختصار پردازیم و تکمله این بحث را به جایی که در باب سپهری و تکنیک مبسوط سخن خواهم گفت، می سپارم:

صدا کن مرا.

صدای تو خوب است.

صدای تو سبزینه آن گیاه عجیبی است

که در انتهای صمیمیت حزن می روید.

۱. هشت کتاب، دفتر «حجم سبز»، سوره تماشا

۲. function

۳. کیارستمی افزون بر این که فیلمساز قابلی بود، هم گرافیست و هم عکاس تراز اولی هم بود. درها و یادها کتابی است که به لطف ناشر به دستم رسیده و مجموعه ای از عکسهای کیارستمی است

۴. naturalistic

۵. یعنی انس و الفت او با طبیعت و احیاناً فاصله گرفتن از زندگی تکنولوژیک و نوعی اعتراض به این که تکنولوژی ما را در چنبره خود احاطه کرده است.

در ابعاد این عصر خاموش
من از طعم تصنیف در متن ادراک یک کوچه تنهاترم.
بیا تا برایت بگویم چه اندازه تنهایی من بزرگ است....